یکشنبه ۲۲ مهر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۵۱
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

علم صالح، استاد دانشگاه ملی استرالیا در نشست «ایران و ژئوپلیتیک خاورمیانه»

مرزهای درگیری با ایران محدود نیست

اسرائیل در ضعیف‌ترین حالت خود پس از جنگ اکتبر ۱۹۷۳ قرار دارد

فرهیختگان

نشست چهل‌وششم «گفتینو» با حضور «علم صالح»، استاد دانشگاه ملی استرالیا در خانه اندیشه‌ورزان و با موضوع «ایران و ژئوپلیتیک خاورمیانه» برگزار شد. فرهیختگان گزیده‌ای از این نشست را که به مسائل اخیر و به‌ویژه جنگ غزه و تحولات پیش از آن پرداخته شده است، در ادامه منتشر می‌کند.

ابتدا وارد مباحث نظری می‌شوم و سپس به مقوله‌های روابط بین‌الملل خواهم پرداخت. مخصوصاً درباره روش‌شناسی در مسائل دانشگاهی صحبت خواهم کرد؛ اینکه چگونه می‌توانیم پدیده‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی را بشناسیم یا حداقل تلاش کنیم که آنها را بشناسیم. در نهایت وارد مبحث خاورمیانه می‌شوم. به طور مختصر، درباره اینکه خاورمیانه چگونه شکل گرفت و چگونه تغییر کرد صحبت می‌کنم. خاورمیانه امروز چه ویژگی‌هایی دارد و چرا می‌توانیم آن را «خاورمیانه جدید» بنامیم. همچنین تفاوت‌های آن با خاورمیانه‌ای را که به شکل سنتی در ذهن‌ها وجود دارد، توضیح می‌دهم. در نهایت، بحث را به ایران می‌کشانم و اینکه در این فضا، ایران چگونه می‌تواند در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و در برابر تغییرات داخلی، نقشی مؤثر ایفا کند.

قدرت، تعیین‌کننده است

من بحث نظری را این‌گونه شروع می‌کنم. اگر ما روابط بین‌الملل را به خوبی نشناسیم، واقعاً شناخت ایران و هر کشور دیگری برای‌مان بسیار سخت خواهد بود. کشورها در واقع واحدهایی هستند که در جهانی بی‌نظم زندگی می‌کنند. اما منظور از «بی‌نظم» چیست؟ این یعنی ما در سطح جهانی یک حکومت مرکزی یا قدرتی نداریم که بتواند بر کشورها نظارت و قدرت خود را اعمال کند و بگوید چه چیزی درست و چه چیزی غلط است. در داخل هر کشور، نظم وجود دارد. پلیس، دادگاه، زندان و قوانین مشخصند. یک حکومت مرکزی داریم که قوانین را اجرا و تحمیل می‌کند. اما در سطح جهانی چنین نظمی وجود ندارد؛ ما پلیس جهانی یا حکومت مرکزی جهانی نداریم. اگر کشوری دست به کار اشتباهی بزند، چیزی که تعیین می‌کند آن کشور مجازات شود یا نه قدرت است. یعنی اگر شما قدرت داشته باشید و کار اشتباهی هم انجام دهید، مشکلی برایتان پیش نمی‌آید. اما در داخل یک کشور، اگر اشتباهی کنید، هرچقدر هم قدرت داشته باشید، معمولاً مجازات می‌شوید. در سطح جهانی، ما سیستمی داریم که آن را «آنارشیک» یا به فارسی «بی‌نظمی» می‌نامیم. این یعنی نظم جهانی وجود ندارد و هیچ قدرت مرکزی جهانی نیست که بتواند بر کشورها اعمال قدرت کند. تنها چیزی که در نهایت تعیین‌کننده درست و غلط است، قدرت است. معمولاً هر کشوری هم فکر می‌کند که کار خودش درست است.

البته این به معنای این نیست که چون نظم جهانی وجود ندارد، کشورها همیشه درگیر جنگ و نزاعند. قطعاً ارزش‌ها، هنجارها و سیاست‌هایی وجود دارد که برای کشورها مهم است. کشورها تلاش می‌کنند وجهه خود را در سطح جهانی خوب نشان دهند و سیاست‌گذاری‌های مناسبی داشته باشند. اما در نهایت، هرچقدر هم که کشوری درست عمل کند، تضمینی نیست که از تعرض دیگران در امان بماند.

برای مثال، کویت در طول جنگ ایران و عراق، به طور کامل از عراق حمایت کرد. کمک‌های مالی، نظامی و حتی سیاسی به عراق ارائه داد و اجازه داد نفت عراق از طریق کویت صادر شود. اما به محض پایان جنگ، همان عراق به کویت حمله کرد. این مثال کلاسیکی است از اینکه حتی اگر کشوری خوب عمل کند، لزوماً مصون از تعرض دیگران نخواهد بود. این مسئله حتی در سطح فردی هم قابل مشاهده است؛ ممکن است فردی خیلی خوب باشد، اما باز هم بدی ببیند یا به او جفا شود. این نکته مهم است که ما به عنوان افراد، اخلاقیات داریم. اخلاقیات به معنای ارزش‌هایی است که در جامعه به ما آموخته شده‌اند و ما از آنها در تعامل‌های روزمره استفاده می‌کنیم. این ارزش‌ها بر اساس فرهنگ، زمان و مکان ممکن است تغییر کنند، اما در نهایت ما به یک رشته از هنجارها و اخلاقیات پایبندیم. تا جایی که می‌توانیم کشورها مانند افراد رفتار نمی‌کنند. در واقع، کشورها به شیوه‌ای عقلانی تصمیم می‌گیرند. اما باید بگویم که انسان‌ها همیشه عقلانی عمل نمی‌کنند. به عنوان مثال، وقتی شما با دوستتان بیرون می‌روید و پول چای او را می‌دهید، این رفتار عقلانی نیست. عقلانی این است که شما بسنجید که چه چیزی از دست می‌دهید و در مقابل چه چیزی به دست می‌آورید. ولی وقتی که چنین کاری انجام می‌دهید، چیزی فراتر از عقلانیت را در نظر می‌گیرید؛ اخلاق، فرهنگ، ارزش‌ها و چیزهای دیگری که ریشه در تاریخ و سنت شما دارند.

اما کشورها این‌گونه عمل نمی‌کنند. اگر بخواهم به زبان انگلیسی بگویم، کشورها «rational decision-makers» هستند؛ یعنی تصمیم‌گیران عقلانی. این به معنای عاقل بودن نیست؛ در واقع بسیاری از رفتارهای کشورها، حتی کشورهای دموکراتیک و غربی، غیرعاقلانه است. ما نمونه‌های زیادی از این رفتارها را در خاورمیانه دیده‌ایم. منظور از عقلانی بودن کشورها این است که آنها هزینه و فایده اقدامات خود را می‌سنجند و تصمیم می‌گیرند که چه کاری باید انجام دهند تا بهترین نتیجه را از رفتار سیاسی خود بگیرند.

پس کشورها مانند افراد فکر نمی‌کنند. آنها دارای نظام ارزشی فردی یا اجتماعی نیستند؛ بلکه بسیار عقلانی و محاسبه‌گر عمل می‌کنند. باز هم تأکید می‌کنم که این عقلانی بودن با عاقل بودن تفاوت دارد.

ما در جهانی زندگی می‌کنیم که در آن لزوماً نظم و عدالت وجود ندارد. اخلاق و انصاف نیز در این نظام بین‌المللی کم‌رنگند. البته این بدان معنا نیست که همیشه چنین است، اما وقتی کشورها در شرایط پیچیده سیاسی و امنیتی قرار می‌گیرند و با یکدیگر رودررو می‌شوند، مسائل اخلاقی و ارزشی دیگر اهمیتی پیدا نمی‌کنند.

در این شرایط، قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی نقش تعیین‌کننده را دارد. در نهایت، همان‌طور که متخصصان روابط بین‌الملل می‌گویند، بقا مهم‌ترین هدف هر کشور است. علاوه بر این، کشورها همیشه باید بدترین حالت‌ها را در نظر بگیرند. در زندگی روزمره، ما انسان‌ها معمولاً خوش‌بینیم و به اخلاقیات و ارزش‌های اجتماعی تکیه می‌کنیم. اما در روابط بین‌الملل، این‌گونه نیست. کشورها باید همیشه برای بدترین سناریوها آماده باشند، زیرا اگر اتفاق ناگواری رخ دهد، آنها دیگر نمی‌توانند؛ مانند یک فرد در جامعه به پلیس زنگ بزنند تا کمک بگیرند. در چنین فضایی، تنها چیزی که می‌تواند تعیین‌کننده باشد، قدرت است. این قدرت می‌تواند نظامی یا حتی اتحادهای نظامی و سیاسی باشد که یک کشور در عرصه بین‌المللی ایجاد کرده است. پس یک کشور همیشه باید در نظر داشته باشد که هر لحظه ممکن است اتفاق غیرمنتظره‌ای رخ دهد و تنها چیزی که می‌تواند برای آن کشور مفید و محافظ باشد، قدرت است. داشتن قدرت، هرگز به کشوری ضرر نمی‌رساند.

در این چارچوب، نظریه‌پردازان واقع‌گرایی بین‌الملل تأکید زیادی بر قدرت نظامی دارند. آنها معتقدند که در داخل کشور نظم وجود دارد، اما در عرصه بین‌المللی هیچ تضمینی وجود ندارد که دیگران به شما آسیب نرسانند.

مثال‌های زیادی برای نشان دادن وضعیت بی‌نظمی در روابط بین‌الملل وجود دارد. برای روشن‌تر شدن موضوع، اجازه دهید چند نمونه مطرح کنم. شما هیچ دو کشوری در دنیا پیدا نمی‌کنید که به اندازه قطر و عربستان به یکدیگر شبیه باشند؛ از لحاظ تاریخی، جغرافیایی، نوع حکومت، اقتصاد، زبان، مذهب، و حتی لهجه. اما باوجود این شباهت‌ها، این دو کشور تبدیل به دو کشور متفاوت شده‌اند و در یک مقطع، عربستان به طور ناگهانی تصمیم گرفت قطر را تحت فشار قرار دهد و حتی تلاش کرد آن را از بین ببرد.

ادامه در صفحه ۱۴

ادامه نبرد با ۲ میلیون صهیونیست چه می‌کند؟

فصل آواره‌سازی شهرک‌نشین‌ها

سیدمهدی طالبی
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

اگر در مرحله پیشین نبرد، مقاومت لبنان روزانه نوار مرزی فلسطین اشغالی را می‌کوبید و گاهی شهرهای «کریات شمونه» یا «صفد» طعمه حملات می‌شدند، در حال حاضر حملات به این دو منطقه مداوم شده و شهر بزرگ حیفا با ۶۰۰ هزار جمعیت به آنها پیوسته است. لبنانی که در موارد معدودی به شهرک‌های بیش از ۱۰ هزار نفر یا چند ده‌هزارنفری حمله می‌کرد، حالا شهرهای چند صدهزار نفره را در مرکز حملات خود قرار داده و دایره کلی هدف‌گیری خود را به جغرافیایی رسانده که نزدیک به ۳ میلیون نفر در آن زندگی می‌کنند. مقاومت قصد دارد جمعیت آوارگان جنگی رژیم را که جمعیتشان براساس نقل‌های مختلف بین ۶۰ تا ۲۵۰ هزار نفر است، به ۲ میلیون نفر برساند. الزامات این اقدام، افزایش برد و شدت حملات و تلاش برای کشتار شهرک‌نشینان به جای تخریب بافت مسکونی شهرک‌هاست. مقاومت این مرحله را در پاسخ به گسترش ویرانی‌ها و کشتار مردم لبنان طراحی و به اجرا درمی‌آورد. هدف چنین مرحله‌ای به لحاظ بازدارندگی جلوگیری از تخریب لبنان و از نظر سیاسی ساقط کردن دولت نتانیاهو در حین جنگ از طریق دو مسیر است: نخست فشار سنگین آوارگان به دولت و ساختمان‌های دولتی در حین جنگ، تصرف آنها و فراری دادن دولتمردان و دوم سرنگونی نتانیاهو پس از شکست در اجرای عملیات در لبنان.

آیا مقاومت لبنان قادر به اداره مرحله جدید نبرد است؟

این سؤال نیازمند بررسی چند وجهی است. نبرد کنونی به‌گونه‌ای طراحی شده تا مقاومت لبنان از پس آن بربیاید.

۱. تلافی رژیم

احتمالاً رژیم صهیونیستی تلاش خواهد کرد با شدت بخشیدن به حملات خود علیه غیرنظامیان به آن واکنش نشان دهد. واکنش مقاومت به چنین تلاشی دیگر رعایت قواعد نیست؛ بلکه این گروه نیز بر شدت تلفات‌گیری و تخریب خواهد افزود. پس تلافی صهیونیست‌ها همانند غزه یا مرحله پیشین نبرد در لبنان که باعث کاهش ضربات مقاومت می‌شد، دیگر اثری نخواهد داشت.

۲. فرماندهی

مقاومت لبنان در حالی وارد رشد کمّی و کیفی حملات خود به رژیم صهیونیستی می‌شود که طبقه‌ای از فرماندهان عالی و میانی خود را ازدست‌داده است. افراد در سطوح عالی سیاسی شامل: شهید سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب و سید صفی‌الدین (شهادت او تأیید نشده است) و شیخ قاووق، اعضای شورای سیاسی می‌شود. در سطح عالی نظامی کسانی مانند «فؤاد شکر»، علی کرکی و ابراهیم عقیل و در سطح میانی، فرماندهان یگان رضوان به شهادت رسیده‌اند. بااین‌وجود و باتوجه به پیش‌بینی‌های قبلی، مرحله بعدی نبرد علی‌رغم رشد همه جانبه ابعاد، در قسمت فرمانده‌ای نیازمند سطح بالایی از هدایت و رهبری نیست.

۳. سلاح

در این مرحله، سلاح‌های موردنیاز همچون موشک‌ها و پهپادهای انتحاری کوتاه‌برد، ساده و ارزانند. این سلاح‌ها به‌وفور یافت می‌شوند و حتی اگر رژیم موفق به بمباران انبارها شود، میزان زیادی از آنها در سرزمین لبنان وجود دارند. از سوی دیگر، بخشی از تسلیحات مرحله جدید در لبنان مستقر نیستند و از جبهه‌های خارج از شامات پرتاب می‌شوند. استفاده از موشک‌های سنگین و پهپادهای انتحاری به شکل گسترده در این مرحله از نبرد هرچند یک تحول کیفی نسبت به گذشته است؛ اما همچنان میزان فناوری را به جایی نمی‌رساند که مقاومت را با چالش مواجه کند. مقاومت لبنان در مقطع کنونی جنگ همچنان از به‌کارگیری موشک‌های بالستیک راهبردی بی‌نیاز است. نیازمندی محدود مقاومت باعث می‌شود تا این گروه بتواند میدان را به شکل مؤثری مدیریت کند. موشک‌ها سرعت و برد کمتری نسبت به موشک‌های بالستیک دارند و کلاهک‌هایشان نیز سبک‌تر است؛ اما باتوجه به ابعاد نبرد ویژگی‌هایی دارند که باعث خوداتکایی مقاومت می‌شود. ابعاد این موشک‌ها کوچک است که باعث آسانی انبار، نگهداری و انتقال آنها می‌شود. این ویژگی می‌تواند باعث سهولت پرتاب موشک‌ها در تعداد بالا شود. مقاومت همچنین می‌تواند دست به تولید موشک‌ها در زمان جنگ بزند؛ هرچند طبق برخی گمانه‌زنی‌های موجود در رسانه‌ها، تعداد موشک‌های مقاومت لبنان به بیش از ۱۵۰ هزار فروند می‌رسد.

کمک‌های محور مقاومت به چه میزان و چگونه خواهد بود؟

ویژگی مرحله کنونی، ورود جدی محور مقاومت در شکل جبهه پشتیبانی از لبنان و غزه است. این جبهه پیش‌ازاین نیز وجود داشته؛ اما ابعاد آن در مقطع کنونی به‌شدت گسترش می‌یابد.

۱. میزان

اضلاع محور مقاومت با پهپادهای انتحاری ویژه به نبرد جدید در شامات ورود کرده و تمرکز خود را از هدف قراردادن ایلات در جنوب یا مناطق مرکزی، به سمت شمال چرخانده‌اند. اهداف چنین حملاتی پایگاه‌های اصلی، مقرّ سربازان و اتاق‌های خاص عملیاتی است. تعداد حملات با شیبی ملایم در حال افزایش است تا فرسایشی قوی را به رژیم تحمیل کند. در روزها یا هفته‌های آتی، ورود بالستیک‌ها به منازعه در شمال سرزمین‌های اشغالی قابل‌تصور است.

۲. مناطق پرتاب

محور مقاومت عمدتاً از عراق دست به پرتاب ضد مواضع صهیونیست‌ها در شمال فلسطین اشغالی می‌زند؛ اما احتمال پیوستن یمن به درگیری‌های شمال یا تداوم عملیات ایران بسیار بالاست. احتمال می‌رود با ادامه شرارت صهیونیست‌ها، ایران بار دیگر دست به موشک‌باران گسترده سرزمین‌های اشغالی بزند؛ اما این بار بر منطقه شمال تمرکز کند. هدف این تمرکز می‌تواند هموارکردن مسیر تهاجم موشکی یا زمینی مقاومت لبنان به شمال سرزمین‌های اشغالی باشد. یک سناریوی قوی، سرکوب دفاع هوایی رژیم در شمال سرزمین‌های اشغالی به‌منظور تسهیل عبور موشک‌ها و پهپادهای لبنان است.

۳. جدیت

جدیت محور مقاومت در خصوص مرحله جدید نبرد به حدّی است که در مقطع مهمی از جنگ، ایران طی عملیات وعده صادق ۲ وارد عمل شد. از سوی دیگر یمن و عراق نیز بدون توجه به فشارهای صعودی خارجی و داخلی، با استفاده از سلاح‌های باکیفیت جدید وارد عرصه شده‌اند.

ویژگی‌ها و مختصات جبهه پشتیبانی لبنان (در خارج از این کشور) در دور جدید حملات به شمال فلسطین اشغالی

موارد	توضیحات
کشورها	عراق، یمن و تا حدودی ایران
نقطه ثقل پرتاب‌ها	از عراق
سلاح‌های اصلی	۱. پهپادهای ویژه ۲. موشک‌های بالستیک پرسرعت
اهداف نظامی	۱. ضربه به توان هوایی رژیم صهیونیستی (از کار انداختن ابزار تهاجم) ۲. سرکوب پدافند هوایی (از کار انداختن ابزار دفاع) ۳. تلفات‌گیری در پایگاه‌های اصلی (از کار انداختن ابزار تثبیت حاکمیت رژیم صهیونیستی در شمال)
اهداف غیرنظامی	۱. قوت قلب به مردم لبنان و فلسطین ۲. تثبیت بالاتر وحدت میدان‌ها ۳. تمرین حملات هماهنگ و ترکیبی در محور ۴. القای احساس محاصره در میان صهیونیست‌ها ۵. قطعی شدن سریع عدم دستیابی صهیونیست‌ها به اهداف‌شان ۶. تهدید غیرمستقیم آمریکا نسبت به از دست دادن منافعش به دلیل حمایت از اقدامات تل‌آویو
اهداف سیاسی	۱. تهدید کابینه رژیم صهیونیستی در خصوص پاسخ به عملیات وعده صادق۲ ۲. زمینه‌سازی برای پاکسازی سرزمینی شمال فلسطین در صورت تداوم سیاست ترور فرماندهان مقاومت ۳. به تکاپو واداشتن طرف‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برای اعمال فشار به تل‌آویو جهت آتش‌بس ۴. گرم‌تر کردن درگیری میان محور مقاومت و محور آمریکایی- صهیونیستی در منطقه و دور ساختن دولت‌های حاضر در روند عادی‌سازی با مشاهده شعله‌های منازعه ۵. تضعیف سازوکار آمریکایی حاضر در روند مدیریت سیاسی جنگ غزه که پیش‌تر محصور در آمریکا، اردن و مصر بود. در این صورت فضا برای بازیگری بیشتر اروپا، چین، روسیه و دیگر قدرت‌ها و کشورهای بین‌المللی و منطقه‌ای فراهم می‌شود ۶. زیر ضربه بردن ادراکی گروه‌های تکفیری سیاسی و نظامی منطقه در خلال نبرد آشکار، مستقیم و سنگین میان محور مقاومت و رژیم صهیونیستی ۷. تحریک قدرت‌ها و دولت‌های منطقه‌ای مانند ترکیه، سعودی و قطر به موضع‌گیری ضد رژیم صهیونیستی برای ایجاد تعادل داخلی و خارجی
عملیات‌های انجام شده	۱. ایران: در قالب وعده صادق۲ شامل ضربه به توان هوایی و سرکوب پدافند هوایی بود ۲. عراق: در قالب حملات پهپادی به پادگان‌های رژیم صهیونیستی که در جولان انجام شد و تنها در یک فقره دشمن به ۲ کشته و ۲۳ زخمی اعتراف کرد

دور جدید حملات مقاومت لبنان به سرزمین‌های اشغالی می‌تواند به آواره شدن یک‌سوم جمعیت رژیم صهیونیستی منجر شود

نام استان	جمعیت استان	جمعیت استان نسبت به جمعیت کلی رژیم صهیونیستی (به شمول جمعیت حاضر در خارج)/معادل ۹ میلیون و ۵۵۸ هزار نفر	جمعیت استان نسبت به جمعیت ساکن در سرزمین‌های اشغالی (سرزمین ۱۹۴۸)/حدود ۸ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر
استان شمال	یک میلیون و ۵۲۷ هزار نفر	۱۵٫۹۷ درصد	۱۷٫۹۶ درصد
استان حیفا	یک میلیون و ۱۳۴ هزار نفر	۱۱٫۸۶ درصد	۱۳٫۳۴ درصد
مجموع دو استان شمال و حیفا	۲ میلیون و ۶۶۱ هزار نفر	۲۷٫۸۳ درصد	۳۱٫۳ درصد

مقایسه دور جدید حملات مقاومت لبنان به رژیم صهیونیستی با دور پیشین

دوره/ ویژگی‌ها	جغرافیای حملات	حداکثر عمق حملات	اهداف نظامی	اهداف غیرنظامی	سلاح‌های اصلی	جمعیت هدف برای آواره‌سازی	اهداف سیاسی	انتظار از برآورده شدن اهداف سیاسی	مشارکت محور مقاومت
حملات پیشین	نوار مرزی	۳ تا ۵ کیلومتر	۱. تخریب پایگاه‌های نظارتی ۲. شکار نظامیان	۱. آواره‌سازی مرزنشینان ۲. تخریب بافت مسکونی	۱. موشک‌های هدایت‌شونده ضدزره ۲. راکت‌های گراد	بین ۶۰ تا ۲۵۰ هزار نفر	فشار شهرک‌نشینان به دولت نتانیاهو برای آتش‌بس در غزه	احتمال اندک	بدون کمک دیگر اضلاع مقاومت
حملات جدید	استان شمالی و استان حیفا	۵۰ تا ۷۰ کیلومتر	۱. تخریب پایگاه‌های اصلی و پشتیبانی ۲. حمله به دارایی‌های ارزشمند نظامی ۳. کشتار انبوه نظامی	۱. آواره‌سازی جمعیت انبوه ۲. تخریب بافت مسکونی ۳. کشتار صهیونیست‌های شهرک‌نشین به میزان اندک و کنترل‌شده	۱. راکت‌های سنگین سری فادی ۲. پهپادهای انتحاری	بین ۲ تا ۳ میلیون نفر	۱. فشار شهرک‌نشینیان به دولت برای آتش‌بس در غزه ۲. فشار سنگین به ساختارهای حکومتی و اقتصادی رژیم ۳. ساقط کردن دولت نتانیاهو در حین جنگ ۴. غیرقابل‌مدیریت شدن سرزمین‌های اشغالی حتی با کمک وسیع غرب	احتمال بسیار بالا و نزدیک به قطعی	با کمک و پشتیبانی حملات اضلاع محور مقاومت به‌ویژه عراق